

گفت و گو با دکتر محمدرضا سرگلزایی روان‌پزشک درباره همسرگزینی آگاهانه (بخش چهارم)

آیا مشکلات روانی افراد با ازدواج برطرف می‌شود؟

شاید بسیاری از ما از بزرگ‌ترهای فامیل شنیده باشیم که «فلانی یاغی شده زن یا شوهرش بدهید تا به راه بیاید.» تا همین چند سال قبل، خیلی‌ها برای انواع روان‌پریشی‌ها یا مشکلات روانی جوانان یک نسخه ساده داشتند: ازدواج.

علم امروز اما نشان داده به بعضی روان‌پریشی‌ها بعد از درمان و تایید روان‌پزشک می‌توان اجازه ازدواج داد و درباره دسته‌های دیگر، ازدواج تنها باعث عذاب خود فرد و همسر او و نزدیکانشان می‌شود. حالا که ما وارد عصر مدرن شدیم، باید نگاه‌مان هم به

زندگی همگام با آن تغییر پیدا کند. باورهای قدیمی مانعی برای ازدواج با یک روان‌پریش نمی‌دیدند و اساسا این پدیده را نمی‌شناختند و حتی بدتر از آن، فکر می‌کردند شهوت او به مغزش زده و با ازدواج و تخلیه نیروی شهوت روان‌پریشی بهتر می‌شود.

برای درک بهتر موضوع، در ادامه مباحث همسرگزینی آگاهانه که در ۳ شماره قبل درباره آنها گفت‌وگو کرده بودیم، این بار همراه با دکتر محمدرضا سرگلزایی، روان‌پزشک، به نکاتی مربوط به ازدواج افرادی با مشکلات روان‌پزشکی می‌پردازیم.

اسلام: آیا ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های ازدواج برای افرادی که مشکلات روان‌پزشکی دارند، به معنای نوعی محرومیت است؟ نه، ازدواج موهبت یا امکاناتی نیست که اگر بنا بر دلایلی برای کسی ممکن نشد، به او ظلم شده و از حقوق انسانی محروم شده است. ازدواج یک تعهد و مسوولیت و یک مشارکت برای ساختن یک نهاد اجتماعی است که در این نهاد علاوه بر همزیستی باید هم‌کوشی و هم‌افزایی وجود داشته باشد. افرادی که این نهاد اجتماعی دوفره را بنا می‌کنند که به احتمال زیاد افراد دیگری به آن اضافه خواهند شد، باید توان این هم‌افزایی و هم‌کوشی را داشته باشند. اگر فرد به تعهد و مسوولیتی که در نتیجه ازدواج برعهده او گذاشته می‌شود، آگاهی و آمادگی نداشته باشد و نتواند از عهده آن بر بیاید، هم برای خود ایجاد فشار می‌کند و هم به دیگران آسیب می‌رساند. درست است که یکی از کارکردهای ازدواج فراهم آوردن توجه و ملاحظت و نوازش است اما انسانی با اختلالات روان‌پزشکی و اختلالات شخصیتی شدید، در ازدواج مورد نوازش و ملاحظت قرار نمی‌گیرد.

ازدواج در واقع کارکردی دوطرفه است، نه یک ارتباط یک‌طرفه، یعنی هر کس در ارتباط ازدواجی باید دهنده و گیرنده قابلی برای مراقبت، توجه، نوازش و کشیدن بار مسوولیت باشد. فشاری که ازدواج بر اشخاص با اختلالات روان‌پزشکی و شخصیتی شدید وارد می‌کند، می‌تواند باعث تشدید آن اختلالات شود. از طرف دیگر، کسی که ناآگاهانه به هوای توجه، ملاحظت، مراقبت و هم‌کوشی با یک فرد دارای اختلالات شخصیتی و مشکلات روانی ازدواج می‌کند، دچار آسیب می‌شود و علاوه بر خانواده کوچک، آسیب این ازدواج‌ها دامن جامعه را هم می‌گیرد. این جامعه که می‌گویم شامل خانواده پایه و بستگان و همسایه‌ها و نهادهای مدنی است که همگی باید حل مشکلات این نهاد هزینه بپردازند.

اسلام: اما چرا برخی اعتقاد دارند محدودیت اشخاص دارای اختلالات شخصیتی و روانی، محرومیت است؟

این اشتباه در فرهنگ‌ها و جوامعی ایجاد می‌شود که نتوانند بر آورده کردن نیازهای عاطفی و جنسی ازدواج است و فرد تنها در چارچوب خانواده می‌تواند نیازهای انسانی خود را برآورده کند.

سوال عملیاتی و واقع بینانه باید این باشد که این افراد با نیازهای طبیعی خود چه کنند؟ برای پاسخ به این پرسش و حل این مشکل، مناسبات و قواعد اجتماعی باید بازنگری شوند و با توجه به نیازهای واقعی زندگی به روز شوند.

اسلام: آیا افراد غیر متخصص می‌توانند با چند ملاقات و آشنایی این اختلالات را تشخیص بدهند؟

نه هرگز. مشکلات روان‌پزشکی مانند هر مشکل دیگری باید به وسیله کارشناس و متخصص تشخیص داده شوند. همین طور که پای شما را یک متخصص ارتوپدی باید درمان کند و برای

آمار طلاق در کلانشهرهای ماه حدود ۶ درصد رسیده، یعنی از هر ۱۰ ازدواج ۶ ازدواج منتهی به جدایی می‌شود. این جدایی‌ها موجب کلی هزینه و خسارت است که امروز مثل مشاوره پیش از ازدواج و تشخیص روان‌پزشکی می‌توان از میزان آنها کم کرد. با چارچوب‌های تفکر سنتی، روستایی و پیش‌مدرن نمی‌شود در کلانشهرهای صنعتی امروزی همکاری و تعامل موفق داشت.



متنهی به جدایی می‌شود. این جدایی‌ها موجب کلی هزینه و خسارت است که امروز مثل مشاوره پیش از ازدواج و تشخیص روان‌پزشکی می‌توان از میزان آنها کم کرد. با چارچوب‌های تفکر سنتی، روستایی و پیش‌مدرن نمی‌شود در کلانشهرهای صنعتی امروزی همکاری و تعامل موفق داشت.

اول، روان‌پریشی‌های مزمن، یعنی روان‌پریشی‌هایی که سابقه کم و بیش طولانی دارند و ماندگار شده‌اند. روان‌پریشی‌های مزمن مانند اسکیزوفرنی و اختلال اسکیزوافکتیو برای این نوع اختلالات، ازدواج یک فشار بزرگ است و این افراد، قادر به برآوردن وظایف زندگی زناشویی هم نیستند.

روان‌پریشی‌های مزمن، یعنی روان‌پریشی‌هایی که سابقه کم و بیش طولانی دارند و ماندگار شده‌اند. روان‌پریشی‌های مزمن مانند اسکیزوفرنی و اختلال اسکیزوافکتیو برای این نوع اختلالات، ازدواج یک فشار بزرگ است و این افراد، قادر به برآوردن وظایف زندگی زناشویی هم نیستند.

چون روان‌پریشی‌های مزمن علامتی دارند که باعث می‌شود این افراد نتوانند نقش مناسبی را در زندگی زناشویی برعهده بگیرند. روان‌پریشی‌های مزمن مانند اسکیزوفرنی منجر به پسرفت عملکرد روان‌پریشی می‌شوند. به همین دلیل در گذشته به آن ممنوع است؟

مشاور مشکلات سر راه خود برای ازدواج را بشناسد و برای حل آنها به صورت فردی عمل کند. آمار طلاق در کلانشهرهای ما به حدود ۶۰ درصد رسیده، یعنی از هر ۱۰ ازدواج ۶ ازدواج منتهی به جدایی می‌شود. این جدایی‌ها موجب کلی هزینه و خسارت است که با کمک گرفتن از نهادهای مدرن و علم امروز مثل مشاوره پیش از ازدواج و تشخیص روان‌پزشکی می‌توان از میزان آنها کم کرد. با چارچوب‌های تفکر سنتی، روستایی و پیش‌مدرن نمی‌شود در کلانشهرهای صنعتی امروزی همکاری و تعامل موفق داشت.

روان‌پریشی‌های مزمن، یعنی روان‌پریشی‌هایی که سابقه کم و بیش طولانی دارند و ماندگار شده‌اند. روان‌پریشی‌های مزمن مانند اسکیزوفرنی و اختلال اسکیزوافکتیو برای این نوع اختلالات، ازدواج یک فشار بزرگ است و این افراد، قادر به برآوردن وظایف زندگی زناشویی هم نیستند.

چون روان‌پریشی‌های مزمن علامتی دارند که باعث می‌شود این افراد نتوانند نقش مناسبی را در زندگی زناشویی برعهده بگیرند. روان‌پریشی‌های مزمن مانند اسکیزوفرنی منجر به پسرفت عملکرد روان‌پریشی می‌شوند. به همین دلیل در گذشته به آن ممنوع است؟

«دمانس پره کوز» یا زوال عقل زودرس می‌گفتند. پسرفت عملکرد شناختی باعث می‌شود شخص در عملکردهای پیچیده اجرایی و اجتماعی و خودگردانی ناتوان باشد. متأسفانه بسیاری از این اختلالات پیش‌رونده هستند؛ یعنی فرد در ۱۰ سال دوم بیماری گرفتار ناتوانی بیشتری می‌شود. اختلال هذیانی (دیلوزنال) نمونه دیگری از هذیان اختلالات مزمن روانی است، به معنی باورهای غیر واقعی و غیر مستند است. مثلا فرد دارای اختلال هذیانی بی دلیل فکر می‌کند همسرش غذایش را مسموم کرده یا همسرش با کس دیگری ارتباط جنسی دارد که گاهی حتی این باور اشتباه ممکن است منجر به ارتکاب به قتل شود. یا اینکه فرد دچار این اختلال فکر می‌کند کسی مرتب او را با دوربین ضبط صوت کنترل می‌کند. هر قدر با این فرد گفت‌وگو شود که این خیالات اشتباه ذهن اوست و هیچ سندی برای این بدمینی‌ها وجود ندارد، قانع نمی‌شود. هذیان‌ها طیف وسیعی دارند و تنها محدود به روابط زناشویی نمی‌شوند. این افراد اگر درمان دارویی مناسب بگیرند، علامت‌شان کنترل می‌شود و تاثیر کم‌رنگ‌تری بر زندگی می‌گذارند بنابراین این افراد باید همیشه تحت درمان باشند و دارو مصرف کنند و با وجود مصرف دارو هم، نمی‌توانند از عهده وظایف خانوادگی، شغلی و حرفه‌ای خود بر بیایند.

مهمشان را پنهان می‌کنند به دلیل پنهانکاری و ترس از افشا و رسوایی، مدام تحت فشارند و استرس جزو عوامل تشدیدکننده دوره‌های روان‌پریشی است. از نظر حقوقی هم، هر زمان همسر مطلع شود که همسر او مشکلی داشته که در زمان ازدواج آن را پنهان کرده است و به اصطلاح تدلیس در نکاح کرده، می‌تواند تقاضای طلاق بدهد و مشکلات حقوقی زیادی در این رابطه به وجود می‌آید. بسیاری از افراد روان‌پریش دوره‌ای وقتی وارد رابطه‌ای به قصد ازدواج می‌شوند، داروهای خود را قطع می‌کنند یا دارو را نامنظم مصرف می‌کنند که خود باعث تشدید بیماری می‌شود. اگر بیمار زن باشد، دارو باید در دوره بارداری و شیردهی زیر نظر پزشک تنظیم شود و زنان مبتلا به روان‌پریشی دوره‌ای که مشکل خود را پنهان کرده‌اند، نمی‌توانند در دوران بارداری و شیردهی به طور منظم مورد مراقبت روان‌پزشکی قرار گیرند. بار وراثت ژنی اختلالات روان‌پریشی دوره‌ای بسیار بار قوی است و این هم دلیل دیگری است که وجود اختلال باید تمام و کمال به اطلاع همسر آینده برسد. اساسا اگر کسی تحت درمان است باید به درمانگرش اجازه بدهد که همه اطلاعات را به همسر آینده او بدهد. متأسفانه در بافت سنتی جامعه ما که اصرار بر ازدواج دختر دارند این اختلال را پنهان می‌کنند و ازدواج در دوره‌های بهبود بیماری انجام می‌شود و بعد با انکار

با یک بیمار اسکیزوفرن‌شان‌س ابتلای فرزندان به این بیماری را ۱۰ برابر می‌کند. به همه اینها فواید اقتصادی حاصل از وجود یک فرد روان‌پریش را که نمی‌تواند کار کند و همسر او هم باید وظیفه مراقبت از او را برعهده گیرد، اضافه کنید.

اسلام: در چه اختلالات دیگری ازدواج ممنوع است؟ در اختلال شخصیت‌های شدید، اختلال شخصیت، یعنی شیوه تفکر، احساس و رفتار مستمر و انعطاف‌ناپذیر که به خود فرد یا دیگران آسیب می‌رساند و در تمام عمر همراه فرد است؛ یعنی یک بیماری نیست که عارض شده باشد و بعد رفع شود.

اسلام: ممکن است نمونه اختلال شخصیت‌های شدید را ذکر کنید؟

بله، مثلا شخصیت‌های پارانویید که به همه کس و همه چیز بدبینند. شخصیت‌های اسکیزوتایپال یعنی شخصیت‌هایی که برداشت‌شان از روابط بین‌فردی و محرک‌های محیطی اشتباه است و در یک نظام قضاوت و پردازش اطلاعات منزوی زندگی می‌کنند و نمی‌توانند پاسخ‌های مناسب بدهند و مناسبات بین‌فردی را به طور مناسب درک کنند.

اختلال شخصیت‌های مرزی: این شخصیت‌ها مرتب بی‌تابند و بالا و پایین می‌روند، به شدت عاشق کسی می‌شوند و بعد از همان آدم متنفر می‌شوند و به او پرخاش و فحاشی می‌کنند. این شخصیت‌ها که یک لحظه این طرف مرز و لحظه دیگر در طرف دیگر هستند، به درد ازدواج نمی‌خورند.

شخصیت‌های ضد اجتماعی (آنتی سوشیال): این افراد به حقوق دیگران احترام نمی‌گذارند و به طور مستمر دیگران را فریب می‌دهند و از دیگران سوءاستفاده می‌کنند. به تعهدات اجتماعی پایبند نیستند و به کرات دروغ می‌گویند. تکان‌های خود را کنترل نمی‌کنند و رفتارهای خطرناک مثل مصرف مواد، رفتار جنسی بی‌مبالت و رانندگی پرخطر دارند.

این شخصیت‌ها فقط یک کارشناس و درمانگر در روند مشاوره می‌تواند تشخیص دهد. مشکل این است که افرادی با ضرب‌هوشی بالا، به صورت ماهران‌های می‌توانند اختلالات شخصیت خود را بپوشانند و پنهان و توجیه کنند بنابراین هر چقدر کسی باهوش‌تر باشد، تشخیص اختلال شخصیت در او دشوارتر است و مشاور و درمانگر باید با تجربه‌تر و آموزش‌دیده‌تر باشد.

افراد با اختلال شخصیت نیاز به درمانگر و مشاور و مربی و مراقب دارند و قطعاً یک همسر باید همسران جدی با معنادار به موادی هستند. اگر همسری می‌خواهد به دلیلی این نقش‌ها را برعهده گیرد، باید قبل از آن حتماً آموزش ببیند. ■



بیماری، مصرف دارو قطع می‌شود و بعد عود (برگشت) بیماری پیش می‌آید و ازدواج به مشکل برخورد می‌کند. قبلاً گفتم که برای شخصیت‌های مرزی، ضد اجتماعی و پارانویید ازدواج ممنوع است. شخصیت‌های خودشیفته، نمایشی، جبری-سواسی و نیز شخصیت‌های منفعل مهاجم جزو شخصیت‌هایی هستند که در صورت ازدواج باید تحت درمان قرار بگیرند و همسرشان هم از جزئیات شخصیت‌ها و درمان آنها مطلع باشد. اگر می‌خواهید درباره این نوع اختلال شخصیت‌ها یک کتاب ساده بخوانید، کتاب «چهره جدید شخصیت» نوشته جان‌الدهام با ترجمه مهدی قرچه‌دغی، انتشارات علمی را به شما توصیه می‌کنم. در مورد افرادی که درگیری جدی با مواد دارند یا معتاد به موادی هستند که زندگی را به شدت مختل می‌کنند مانند مت‌آفئامین یا هروئین و مواد روانگردان توصیه می‌کنم در دوره‌های کوتاه بهبود تصمیم به ازدواج نگیرید زیرا عود و بازگشت در این افراد به ۶۰ درصد یا بنا بر مطالعات تا ۸۰ درصد در سال اول می‌رسد. در افراد الکلی یا معتاد به مواد مخدر خطر عود با وجود دوره‌های پاک‌ی و بهبود بسیار بالاست بنابراین این افراد در دوره‌های کوتاه بهبود گزینه مناسبی برای ازدواج نیستند، مگر اینکه این بهبود بعد از طی دوره طولانی درمان به شیوه زندگی دیگر منجر بشود. این درمان کامل را فقط درمانگر بیمار می‌تواند تایید کند. ■

در کدام اختلالات و مشکلات روان‌پزشکی ازدواج ممنوع نیست ولی محدودیت دارد؟ اینها افرادی هستند که با رعایت چارچوب‌های خاصی ممکن است بتوانند در قالب روابط عاطفی و جنسی ازدواج قرار بگیرند: روان‌پریشی‌های دوره‌ای اختلالی هستند که بهبود می‌یابند ولی ممکن است بعد از یک یا دو سال دوباره بروز کنند که البته با مصرف دارو، فاصله این دوره‌ها بیشتر و شدت آنها کمتر می‌شود اما اگر دارو مصرف نکنند، این دوره‌ها با همان ریتم یا حتی شدیدتر ادامه پیدا کند. افراد مبتلا به روان‌پریشی‌های دوره‌ای می‌توانند ازدواج کنند به شرطی که همسرشان از تمام جزئیات بیماری‌شان با خبر باشد و با آگاهی از این جزئیات بپذیرد که با این فرد ازدواج کند. روان‌پریشان دوره‌ای در فاصله عود بیماری که می‌تواند به یک، ۲ یا ۳ سال و بیشتر هم برسد، کارایی مناسب دارند و به خدمات اجتماعی خود ادامه می‌دهند.

اسلام: چرا باید همسر فرد دچار روان‌پریشی دوره‌ای از همه جزئیات اختلال همسر خود خبر داشته باشد؟ اول اینکه از نظر اخلاقی، فرد بخش بزرگ و مهم زندگی خود را نباید از شریک زندگی‌اش پنهان کند. دیگر اینکه افرادی که مسائل

آیا عشق درمانگر است؟ بسیاری از افراد فکر می‌کنند که عشق اکسیری است که می‌تواند بیمار دچار اختلال شخصیت یا اعتیاد را نجات دهد اما شخصیت فرد با عشق عوض نمی‌شود. این قصه بیشتر موضوع فیلم‌فارسی‌هایی است که با موضوع «لات خوش قلب با مراد» چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب ساخته شده و می‌شود. در این فیلم‌ها لات‌ها با عاشق شدن دستگار می‌شوند. مطمئن باشید که هیچ عشقی نمی‌تواند شخصیت آنتی سوشیال (ضد اجتماعی) را تغییر دهد و فرد معتاد را درمان کند. اصولاً تجربه عاشقانه تغییر با دوامی در فرد ایجاد نمی‌کند بنابراین اگر شما عاشق کسی شدید و او هم عاشق شما شده و به یاد هم مهتاب را نگاه می‌کنید و به ترانه‌ها گوش می‌کنید، این دلیل کافی برای ازدواج مناسب و با دوام نمی‌تواند باشد. ■